



سوره مبارکه انعام

جلسه دوم: ۹۲/۴/۴

* حضرت علامه آیات ۴ تا ۱۱ را دسته دوم این سوره در نظر می‌گیرند.

- این سوره یکباره نازل شده است.

- این سوره را ۷۰ هزار فرشته محافظت کرده‌اند تا نازل شده است.

خلاصه ای از سه آیه اول

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَغْدِلُونَ (۱)

ستایش خدای را که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را پدید آورد، با این همه کافران برای پروردگارشان همتا قرار می‌دهند.

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَأَجْلٌ مُسَمَّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْرُونَ (۲)

او کسی است که شما را از گل آفرید، سپس [برای شما] عمری مقرر داشت، و اجل حتمی نزد اوست، آن‌گاه شما [باز هم در قدرت او] شک می‌کنید.

وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ (۳)

و او در آسمان‌ها و زمین خداست. نهان و آشکار شما و آنچه را کسب می‌کنید می‌داند.

گفتم نظام حمد خدا به صورت زیر است به عبارتی موارد زیر جلوه‌ای از حمد خداوند هستند.

حمد



آیه ۱

خلقت موجودات

آسیب

عِدْل گرفتن
برای خدا

جعل نظام ظلمات و نور (نظام مراتب)

آیه ۲

خلقت انسان

آسیب

مراء(شک)

طین ← اجل های مختلف ← اجل مسمی

آیه ۲

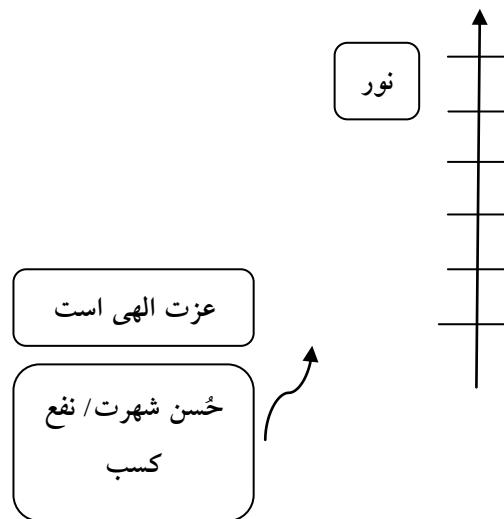
جلوه الله در موجودات

آسیب

کسب

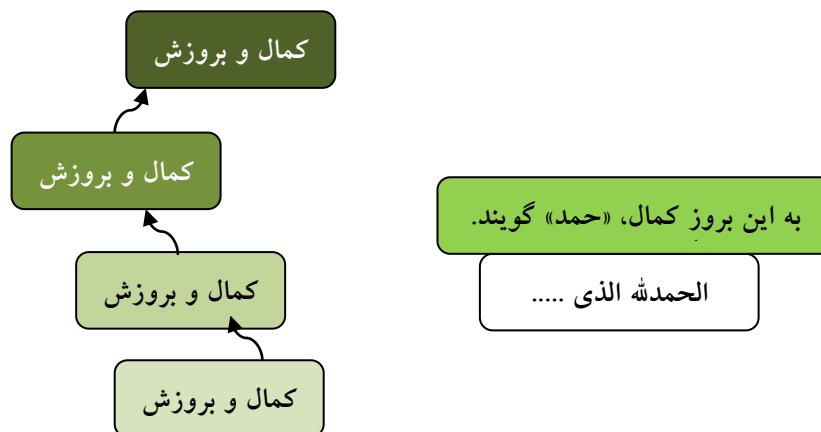
علم خداوند به سر و جهر انسان

نکته: مراء یا شکّ زمانی به وجود می‌آید که دو چیز رجحان، ارزش و برابریشان نامشخص است. علت نامشخص بودن، گم شدن «مبنا» برتری است.



انسان در نظام مراتب قرار گرفته است و بر اساس حقیقت جاری در این نظام، باید در هر مرتبه وظیفه خود را به درستی انجام دهد تا مراتب ظلمات را به سوی نور بپساید. (این همان حقیقتی است که سوره درباره اش می‌گوید: **الحمدُ لِلَّهِ الَّذِي** ...)

توقف شدن در نظام مراتب و گم کردن حقیقت جاری در این نظام، موجب عدل گرفتن برای خدا، مراء و ماندن در اکتسابات می‌شود. (این همان مواعن حمد در انسان است)



- انسان به وسیله «حمد» می‌تواند مراتب هستی را طی کند.

- مراتب بالای حمد را «مقام محمود» گویند.

- اعراض و برائت از عدم حُسن در هر مرتبه را «تسبیح» گویند.

- بنابراین انسان به وسیله پله‌های تسبیح و حمد بالا می‌رود.

- این سوره شئونات مختلف ظلمات را باز کرده است تا افراد بتوانند به خوبی آسیب‌ها را بشناسند به عبارتی این سوره نوعی آسیب شناسی در نظام حمد در مراتب هستی است.

- تفصیل این سوره، بیماری‌ها را به فرد می‌شناساند و درمان آنها را نیز می‌گوید.

- علم به همین آسیب‌ها در وجود ما مرتبه‌ای از معرفت است تا انسان بتواند تسبیح کند و با حمد مراحل را بالا برود. علم به این ندانستن هم در انسان نوعی تسبیح و حمد ایجاد می‌کند و امکان حرکت را فراهم می‌آورد.
- توجه: اینکه این آسیب را با سه اسم «عدل» و «مراء» و «شک» آورده این است که انسان راحت‌تر بتواند آن را در وجود خود پیدا کند. بنابراین جلوه‌های مختلف این آسیب هم امکان شناسایی و هم درمانش را بیشتر می‌کند.

- حضرت علامه معتقد‌نند که آیات ۴ تا ۱۱ تفصیلی است برای موانع و آسیب‌هایی که در سه آیه اول مطرح شده است.

نکاتی که از آیات ۴ تا ۱۱ برداشت می‌کنیم:

۱- تکذیب حق (در عین امکانات داشتن)

۲- استهzaء

۳- اعراض از آیات

۴- عدم روئیت صحیح

۵- عدم تبدیل متاع به نعمت

۶- کفر

آیه ۴:

وَ مَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُغْرِضِينَ (۴)

هیچ آیه‌ای از آیات پروردگارشان به سوی آنها نمی‌آمد مگر این که از آن رویگردان بودند.

آیه ۴ آیات رب را مطرح می‌کند که در مقابلش اعراض صورت گرفته است.

(آیه)، نسبت به «نشانه» کاربردی‌تر است. آیه، نشانه به این اعتبار است که انسان از آن استفاده می‌کند و در آن پناه می‌گیرد. مثال: انسانی که گم شده است، به وسیله ستاره راهش را پیدا می‌کند.

- آیه نشانه‌ای است که انسان از آن استفاده می‌کند.

آیه، نشانه به اعتبار بهره، استفاده و یا پناه و مراجعة انسان به آن است (آیه از مأوى گرفته شده است زیرا انسان به آن پناه می‌برد)

- نکته: به همین علت در قرآن اعراض از اسماء و فلق نداریم بلکه اعراض از آیه داریم زیرا انسان از آن استفاده کرده است.

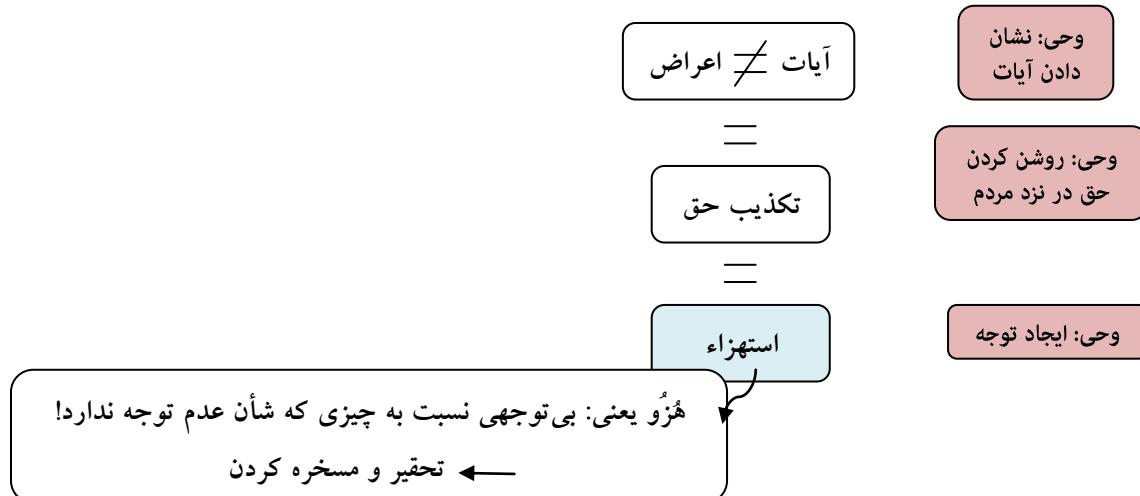
نشانه، به اعتبار بهره، استفاده و یا پناه مراجعة انسان به آن

- آیات همیشه انسان را به حق دلالت می‌دهند. یعنی آیات دائمًا هست بودن خدا را یادآوری می‌کنند. بین خورشید هست، بین ماه هست، بین گم نشدی، و برای همین اعراض از آیات، همان تکذیب حق است.



فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءٌ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۵)
و همانا حق را چون برایشان آمد تکذیب کردند، پس به زودی اخبار آنچه بدان استهزا می کردند به سویشان خواهد آمد.

- استهزا از «هُزُو» گرفته شده است.



مثال: اگر عالمی وارد جلسه شود و شائش این باشد که در پیش پایش بلند شویم و ما اینکار را نکنیم در واقع او را استهزا کرده ایم زیرا عمداً بی اعتنایی کرده ایم.

توجه

- ** توجه داشتن به یک چیز و توجه نداشتن به آن، آنقدر مهم نیست که توجه به توجه مهم است!

- توجه به توجه، آنقدر مهم است که تمام هدایت و ضلالت به آن مرتبط است یعنی پایه ضلالت، بی اعتنایی به آن چیزی است که نباید انسان به آن بی اعتنا باشد.
- کسی که بی اعتنا به هدایت و حق باشد، نسبت به آیات اعراض می کند و بعد هم برای خدا عدل می گیرد.
- موضوع استهزا در سوره مبارکه کهف باز شده است. به عبارتی سوره کهف سوره ای برای درمان بی اعتنایی در انسان است. سوره کهف سوره انسان های با اعتنایت است. وجه مشترک انسان های خوب سوره مانند حضرت موسی و حضرت خضر و باغدار و اصحاب کهف و ذوالقرنین، شدت اعتنا در آنهاست.

آیه ۶

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنِ مَكَنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرَينَ (۶)

آیا ندیدند که پیش از آنها چه بسیار اقوامی را هلاک کردیم که در روی زمین به آنها تمکنی دادیم که به شما ندادیم و آسمان را بر آنها باراندیم و نهرها در زیر پاهاشان روان ساختیم؟ آن گاه آنان را به سزای گناهانشان نابود کردیم و از پی آنان قومی دیگر پدید آوردیم.

- یکی از چیزهای مهمی که خدا می‌خواهد انسان‌ها به آن اعتنا کنند این است که: «آیه ۶»

- این افراد در آیه ۶، تمکن در دنیا را عدِلِ حیات و بقاء گرفته‌اند.

آیه ۷:

وَ لَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷)

و اگر مکتوبی بر کاغذی بر تو نازل می‌کردیم و آنها آن را با دست خود لمس می‌کردند، [باز هم] کافران می‌گفتند: این چیزی جز یک سحر آشکار نیست.

- از آیه ۷ وارد اشکالاتی می‌شود که به نسبت وحی به وجود می‌آیند.

وحی آمده بود برای، نشان دادن آیات

وحی آمده بود برای، روشن کردن حق نزد مردم

وحی آمده بود برای، ایجاد توجه و رفع استهzae

وحی آمده بود برای، از بین بردن عدِل و مراء و شک

وحی بر رسول صورت گرفته است



وحی شفاهی است



وحی در مقام بیان آیات و حق و ایجاد توجه است.

فرد مُعرض می‌گوید: من باید در قالب محسوس خود، آن را درک کنم.

توجه

معجزه برای موارد زیر نیووده است:

✓ خدا هست.

✓ باید عبادت کرد.

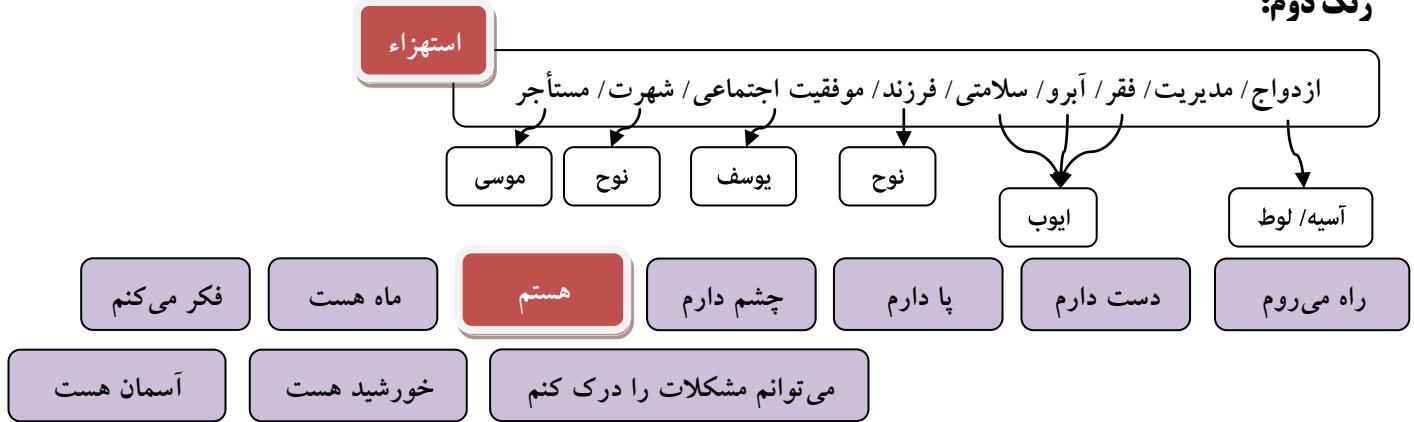
✓ دست از بت پرستی بردارید.

بلکه معجزه آمده است تا بگویند: «این شخص واقعاً به ملکوت متصل است.»

به عبارتی معجزه در هیچ‌جا برای اثبات محتوای کلام انبیاء نیامده است. به همین علت در همین سوره وقتی می‌خواهد بگوید: دست از بت پرستی بردارید و خدا را پرستید، همان استدلال‌های کلام حضرت ابراهیم کافی است.

- انسان می‌تواند به معرفتی برسد که بدون معجزه هم رسول را بشناسد مانند جناب سلمان.

زنگ دوم:



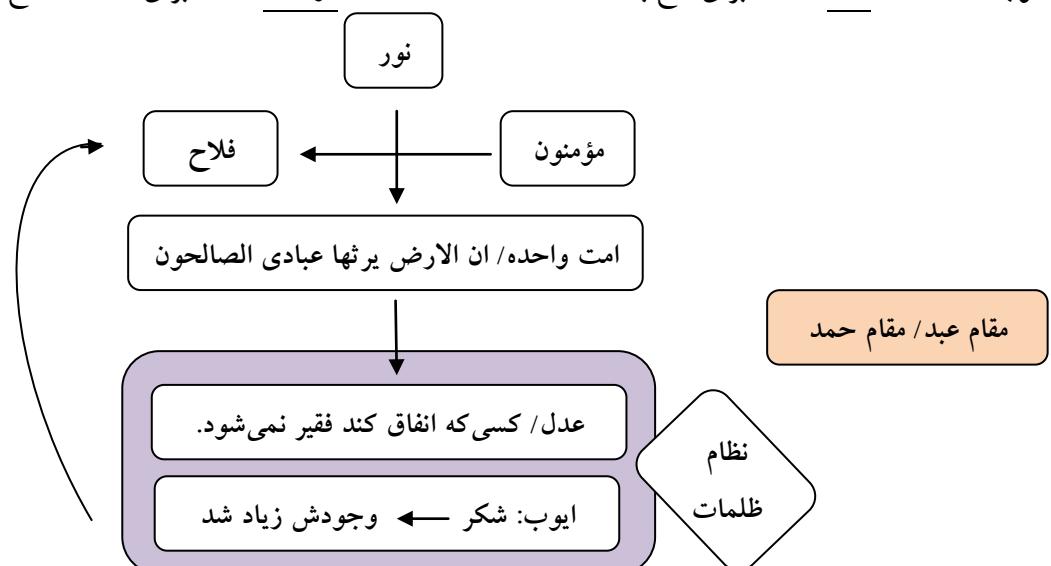
توجه هر انسانی، در معرض هر مشکلی قرار گرفت حتماً ظرفیت آن مشکل را دارد. (کتب علی نفسه الرحمه)

فقر
گرسنگی
بیماری

همه اینها آیاتی هستند برای ارتباط بیشتر با خدا
آیاتی هستند برای درک بیشتر نظام ظلمت و نور

- ۱- باید به آیات و استفاده خود از آیات توجه کند.
- ۲- در انبوه فراوان ابن آیات باید مشکلات و مسائل خود را، کوچک و ناچیز ببیند.
- ۳- باید حتی، مشکلات را هم آیه ببیند.
- ۴- برای باور ربویت خداوند، انتظار واقعی خارق العاده نداشته باشد.
- ۵- خداوند نمی خواهد ایمان انسان وابسته به اتفاقات عجیب و غریب باشد.
- ۶- خداوند نمی خواهد ایمان انسان بند به محسوسات دنیایی باشد.
- ۷- دنیا برای آن است که ایمان انسان حاصل اختیار او باشد، نه از روی اجبار و زور.

توجه: غلط: صدقه برای دفع بلا است. درست: صدقه برای خدا، که دفع بلا از آثار آن است.



جمع بندی:

- ✓ انسان باید قوانین الهی را بشناسد.
- ✓ به صدق وعده قوانین ایمان بیاورد.
- ✓ اگر افراد، بسیاری از قوانین را اجرا کنند، تحقیقش آنَا در این دنیا اتفاق می‌افتد.
- ✓ اماً انسان باید به مرور یاد بگیرد که دنیا ظرف تحقق تمامی قوانین نیست.
- ✓ پس باید یاد بگیرد که تحقق قوانین در دنیا را لازمه ایمانش نداند.
- ✓ چون هستند کسانی که اتفاق می‌کنند ولی در دنیا فقیر می‌مانند.
- ✓ پیامبر هستند ولی بیمار می‌شوند.
- ✓ حسین ابن علی هستند ولی کشته می‌شوند.
- ✓ برای همین من در سیر ایمان باید قوانین را ببینم.
- ✓ باید به صدق وعده‌های خدا ایمان بیاورم.
- ✓ صدق وعده درست است ولی دنیا ظرف تحقق همه وعده‌ها نیست.
- ✓ برای همین باید کم کم یاد بگیرم تحقق دنیابی را شرط ایمان نکنم.
- ✓ زیرا اگر چنین کنم باید از دنیا بیرون بروم.
- ✓ دنیا ذاتش محدود است. و نمی‌تواند همه وعده‌ها را تحقق ببخشد.
- ✓ و اگر قرار بود دنیا همه وعده‌ها را تتحقق بدهد ما دیگر احتیاجی به معاد نداشیم.
- ✓ زیرا یکی از دلایل وجود معاد این است که دنیا نمی‌تواند همه وعده‌ها را تتحقق بدهد.
- ✓ پس باید به مرور یاد بگیرم که سیستم دنیابی شرط ایمان نباشد.
- ✓ اگر خواست چنین اتفاقی برایمان بیفتند، در آیه ۱۱ خدا راه حل این مسئله را :

«فَلْ سِيرُوا فِي الأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (۱۱)» دانسته باشیم.

نکته مهم: ما باید اصرار بر دعا داشته باشیم ولی نباید اصرار بر سؤال (درخواست) داشته باشیم.

یار رسول الله دست مارا هم بگیر

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاهْمَدْ رَبَّ الْعَالَمِينَ